



Urban Subalternism and Resistance Tactics (Case Study: Subalterns in Sanandaj)

Omid Ghaderzadeh¹ | Mohammad Mostafaei²

1. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail:

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail:

goffmannn.sociology74@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 May 2022

Received in revised form: 07 November 2022

Accepted: 01 January 2023

Published online: 06 June 2023

Keywords:

Urban subalternism, non

recognition, Resistance

Tactics, Sanandaj, Critical

Ethnography

ABSTRACT

Subalternism conflicts within marginal areas and outside of them are primarily spatial in nature. Attempts to acquire space, whether for the purpose of building a house or settling in a location to earn a livelihood, will come into conflict with agents who seek to prevent the presence of the underprivileged in that location. Islamabad and Sayed Hossein Tappe in Sanandaj are the locations under study. These two communities are suitable for research due to the ongoing conflict between house builders and institutional brokers, the widespread and partial destruction of residential houses, the spatial and geographical expansion, and the lack of urban services relative to neighboring areas.

Using purposeful and snowball sampling, 25 individuals were selected for semi-structured interviews with the poor (informal house builders and peddlers) in two neighborhoods of Islamabad and Sayed Hossein Tappe in Sanandaj.

Institutional agents in the studied field utilize punitive power, interactive power, evasion and suspension traps, disruptions, and recognition inequalities to exert power over subalterns. In numerous instances, the urban poor are also attempting to resist institutional agents. In the collective form of resistance, discontent has been forced into public arenas and public official spaces via the suspension of social order, intelligent protest gatherings, sit-ins/civil disobedience, self-motivated leaders, and the use of protest poetry. Individual resistance is comprised of compromise, persuasion, verbal menace, and rebellion. In times of crisis, urban impoverished individuals attempt to alleviate the stresses of life by banding together. As a form of alternative culture, the diverse support of neighbors and acquaintances in the difficulties of daily life includes accompanying neighbors in social rituals and assisting in the construction of housing, providing temporary/permanent municipal services, verbal and emotional support, traditional and non-material cooperation of acquaintances, and secret use of municipal services.

One of the earliest indicators of poverty is informal living and exclusion from government, structural, and official assistance. Since the lesser strata of society are not included in the official sphere, neither is the law's protective umbrella extended to them. According to Scott (1985), the precarious conditions of Subalterns' lives are such that we should not anticipate a political and open struggle; as a result, they have resorted to low-risk methods of dealing with subalterns.

Cite this article: Ghaderzadeh, O., & Mostafaei, M. (2023). Urban Subalternism and Resistance Tactics: A Critical Ethnography of Subalterns in Sanandaj. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12(2), 225-240. <https://doi.org/10.22059/JISR.2023.343258.1307>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JISR.2023.343258.1307>



تهیدستان شهری و تاکتیک‌های مقاومتی

(مورد مطالعه: تهیدستان شهر سنندج)

امید قادرزاده^۱ | محمدمصطفایی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: o.ghaderzadeh@uok.ac.ir
۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: Goffmannn.sociology74@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر به میانجی توصیف تجربه تهیدستان شهری چگونگی اعمال قدرت کارگزاران نهادی و تاکتیک‌های مقاومتی فرودستان را واکاوی کرده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۷	روش پژوهش حاضر اتنوگرافی انتقادی و میدان مورد مطالعه تهیدستان (سازندگان غیررسمی خانه و دست‌فروشان) دو محله اسلام‌آباد و تپه سید حسین شهر سنندج است که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی، ۲۵ نفر برای مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انتخاب شدند. بر مبنای یافته‌ها، کارگزاران نهادی با توسل به استراتژی‌های قدرت کیفردهنده، قدرت تعاملی، طفره‌رفتن، دام تعلیق و نادیده‌انگاشتن، قدرت خود را بر تهیدستان اعمال می‌کنند. تهیدستان شهری نیز به انجای مختلف می‌کوشند در برابر کارگزاران نهادی مقاومت کنند. در شکل جمعی مقاومت، با توسل به تعلیق نظم اجتماعی، تجمعات اعتراضی هوشمندانه، تحصن/ نافرمانی مدنی و رهبران خودانگیخته و به‌کارگیری اشعار اعتراضی، نارضایتی را به عرصه‌های عمومی و فضاهای رسمی عمومی سوق داده‌اند. شکل فردی مقاومت شامل تمارض، اقناع، تهدید بیانی و تمرد است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۸/۱۶	تهیدستان شهری با همراهی یکدیگر در مواقع اضطرار می‌کوشند فشارهای زندگی را تخفیف دهند. حمایت‌های متنوع همسایگان و آشنایان در تنگنای زندگی روزمره، نوعی فرهنگ بدیل و شامل همبازی در ساخت مسکن، ارائه خدمات شهری موقت/ دائم، حمایت کلامی و عاطفی، همبازی سنتی و غیرمادی آشنایان و به‌کارگیری پنهانی خدمات شهری سنندج، نادیده‌انگاری.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۳/۱۶	
کلیدواژه‌ها:	
اتنوگرافی انتقادی، تاکتیک‌های مقاومت، تهیدستان شهری، سنندج، نادیده‌انگاری.	

استناد: قادرزاده، امید، مصطفایی، محمد (۱۴۰۲). تهیدستان شهری و تاکتیک‌های مقاومتی: اتنوگرافی انتقادی فرودستان شهر سنندج. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۲)، ۲۲۵-۲۴۰. doi: 10.22059/JISR.2023.343258.1307

DOI: <https://doi.org/10.22059/JISR.2023.343258.1307>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

سکونتگاه‌های غیررسمی مأوای گروه‌بندی‌های اجتماعی ناهمگونی است که تاریخ به‌رسمیت شناخته‌شدن آن‌ها به میانجی مجراهای متعدد ساختاری منقضی شده است. تلاش برای دستیابی به فضا دربارهٔ ساخت خانه و استقرار در یک مکان برای امرارمعاش به تصادم با کارگزارانی منجر می‌شود که می‌کوشند از حضور گروه‌های بی‌بضاعت در آن محل جلوگیری کنند. به‌دلیل درگیری مستمر میان سازندگان خانه و کارگزاران نهادی، تخریب‌های گسترده و جزئی منازل مسکونی، گسترش فضایی و جغرافیایی، کمبود یا نبود خدمات شهری در محلهٔ اسلام‌آباد و تپهٔ سید حسین، این مناطق برای پژوهش مناسب‌تر هستند.

به‌دنبال اجرای اصلاحات ارضی در سال‌های آغازین دههٔ ۴۰، ساختار اجتماعی-اقتصادی شهر سندج همانند سایر شهرهای ایران دستخوش تغییرات جدی شد. درواقع نضج اولیهٔ سکونتگاه‌های غیررسمی در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ تشکیل شد. حجم زیادی از سکونتگاه‌ها مانند تفتقان از این دوره به بعد و در امتداد محور شمالی استقرار پیدا کرد (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸: ۷). تفتقان جزء لایهٔ اول سکونتگاه‌های غیررسمی است. این بافت به‌دلیل کمبود اساسی زیرساخت و خدمات شهری حداقل امکانات لازم را دارد و ساکنان آن با مشکلات فراوانی مواجه هستند (آشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۱). تپهٔ سید حسین نیز از سال ۱۳۷۸ با ساخت نخستین خانه شکل گرفت. این منطقه قبل از تبدیل شدن به منطقهٔ مسکونی، مکانی برای زراعت و باغداری محسوب می‌شد و نام سابق آن «آسیاب کانی دومان» بود. سید حسین نخستین فردی بود که به ساخت خانه در این منطقه دست زد و این محله تداعی‌گر نام اوست. یکی از محله‌هایی که در سال‌های اخیر به میانجی دوگانهٔ شهرداری و نیروهای انتظامی با سیاست بولدوزری مواجه شد، تپهٔ سید حسین است. نمود عینی چنین سیاستی را می‌توان در خانه‌های تخریب‌شده‌ای دید که تهیدستان آن منطقه بعد از سال‌ها هنوز نتوانسته‌اند آن را بازسازی کنند؛ خانه‌هایی که هستی وجودی، تمام دارایی و هویت شخصی صاحبان آن محسوب می‌شدند و دستگاه‌های اجرایی آن‌ها را با خاک یکسان کرد. به تعبیر آگامبن، در چنین فضاهایی «افرادی خلق می‌شوند که از هر شأن حقوقی مطلقاً بی‌بهره‌اند؛ می‌توان به طرفه‌العینی جان و تمام دار و ندار این افراد را از آن‌ها گرفت» (آگامبن، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

پژوهش حاضر معطوف به مقاومت تهیدستان در دو محلهٔ سندج است، اما بر این پافشاری نمی‌شود که محله‌ها یگانه مجرای منازعهٔ افراد هستند، بلکه ممکن است نارضایتی از محله، امکانات زندگی و فرصت‌های نابرابر به فضاهای عمومی کشیده شود. دلیل تأکید بر محله در این پژوهش، مطالعهٔ مبارزهٔ افراد در محل زندگی و چیزی است که عمل نام‌گذاری می‌شود. به تأسی از لوید، عمل براساس درک خاص عامل از موقعیت توصیف می‌شود (لوید، ۱۳۹۳: ۸۵). ایدهٔ مقاومت به فهم مناسبات قدرت در جامعه و سیاست فرودستان کمک می‌کند؛ از این‌رو نباید توقع شکل عام مبارزه را داشته باشیم، بلکه باید آنچه را که محلی است به‌منزلهٔ جنبه‌ای مهم از مبارزه شناسایی کنیم. کنش جمعی سازماندهی‌شده همه‌جا امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین اشکال جایگزین مبارزه باید کشف و فعالیت‌های منعطف، خرد و غیربروکراتیک تصدیق شوند (بیات، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۵). براین‌اساس، چنین پژوهشی پیوستاری دوجهی را در زندگی شهری ترسیم می‌کند که کارگزاران نهادی مرتبط با مدیریت مناطق حاشیه در یک‌سو و تهیدستانی متشکل از سازندگان غیررسمی خانه و دست‌فروشان در سوی دیگر قرار دارند. بر این مبنا سوالات اصلی پژوهش این است که شیوه‌های اعمال قدرت در میان تهیدستان شهری کدام است، فرهنگ تهیدستان از چه معانی و ارزش‌های بدیلی تشکیل شده است، تهیدستان چگونه نظم مسلط را به چالش می‌کشند، سازوکار جمعی این کردار چیست و تهیدستان به چه تاکتیک‌های مقاومتی روی می‌آورند.

۲. پیشینه تجربی

دربارۀ تهیدستی مطالعات به نسبت فراوانی انجام شده است، اما ارتباط آن با مفهوم مقاومت کمتر مدنظر بوده است. در اینجا به پژوهش‌هایی می‌پردازیم که به مقاومت تهیدستان نظر دارند. بیات (۱۳۷۵) در کتاب *سیاست‌های خیابانی* به اقدامات طبقات فرودست جامعه توجه دارد. تمرکز بر مفهوم پیش‌روی آرام، سیاست خیابانی و تغییرات تدریجی است که تهیدستان و به میانجی مفهوم ضرورت و عدالت توجیه می‌کنند و این امر بر اولویت امر محلی، تصرف زمین، تلاش برای دستیابی به خدمات شهری و ساخت جاده دلالت دارد. این اعمال به واسطه بحران، رشوه‌دهی، مخفی‌کاری، مقاومت و چانه‌زنی انجام می‌شود. پژوهش مردم‌نگارانه صادقی (۱۳۹۷) حکایت از آن دارد که سکونتگاه‌های غیررسمی، فضایی برای بیان نارضایتی و ابراز مخالفت هستند و تهیدستان با توجه به شرایط از راهکارهای متنوعی در برابر کارکنان دولتی بهره می‌گیرند و گاهی به التماس، سماجت، نفرین، غرولند و درگیری روی می‌آورند.

پرلمن در کتاب *فاولا، چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های غیررسمی ریودوژانیرو* به مبارزات، رنج‌ها، کامیابی و کوشش‌های ساکنان آن برای پیروزشدن بر محیطی خصمانه پرداخته است. کتاب به روش طولی و درباره سرگذشت کوشش مردم تهیدستی است که حقوق خود را برای شخصیت درخواست می‌کنند. فاولانشین‌ها به منظور رسیدن به مطالبات خود سرسختانه به دنبال مذاکره برای به رسمیت شناختن محل زندگی و فراهم کردن زیرساخت‌ها و سرویس‌های اولیه به همراه تأمین امنیت از سوی دولت، مانند حق مسکن نو بودند (پرلمن، ۱۳۹۷: ۹۵).

سلاح‌های ضعیفان: اشکال روزمره مقاومت در میان دهقانان عنوان کتابی از جیمز سی اسکات (۱۹۸۵) است که جزء پژوهش‌های مردم‌نگارانه محسوب می‌شود که در یکی از دهکده‌های مالزی به مدت ۱۴ ماه به طول انجامید. توجه نویسنده معطوف به شناسایی قلمروهای پنهان نزاع سیاسی است. از منظر اسکات، دهقانان به دلیل تبعات خطرناک نمی‌توانند به راحتی و آشکارا شورش کنند؛ در نتیجه به شیوه‌های پیش‌پاافتاده روی می‌آورند و مقاومت‌های فرودستان معطوف به تأخیر عمدی، تظاهر، تبعیت دروغین، فرار از خدمت سربازی، ارتش و... سرقت از محل کار، قاچاق، ربایش ایده‌های دیگران، آتش‌سوزی عمدی، خرابکاری، ضرب و شتم، افترا و تهدیدات ناشناس است (اسکات، ۱۹۸۵).

ایثاری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود پیامد سیاست‌های شهری پیرامون زیست غیررسمی تهیدستان را برهم‌کنشی از فرایندهای متقابل اعمال قدرت و مقاومت عنوان می‌کنند. آشوری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای نشان دادند تفاوت فاحشی در برداشت فن‌سالاران دولتی و علمی با تجربه زیسته ساکنان سکونتگاه‌ها از شرایط زیست غیررسمی وجود دارد و ساکنان این سکونتگاه‌ها خود را بهره‌ور از این مناطق می‌دانند و دیدگاه خود را برای ساماندهی مطلوب‌تر در نظر می‌گیرند.

جاجرمی (۱۳۹۵) در مقاله خود نشان داده است در غیاب مشارکت و نظارت مردمی، آنچه رشد شهرها را هدایت می‌کند، نه چارچوب‌های سیاستی، بلکه منافع گروه‌های قدرتمند سودجویی از زمین و رانت‌های شهری و تقلای تهیدستان شهری برای تصرف زمین و ساخت کاشانه‌ای محقر است.

۳. سازه‌های مفهومی و نظری

مقوله تهیدستی مفهوم اقتصادی صرف نیست و در درجه اول به هویتی فرهنگی و اجتماعی دلالت دارد. تهیدستان اساساً با درآمد پایین، جایگاه اجتماعی پایین و شرایط ناامن شناسایی می‌شوند (بیات، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۵). زیست غیررسمی از نخستین نمودهای تهیدستی است. تقریباً همه مشاغل غیررسمی بدون بیمه و درآمد ثابت هستند. توزیع نابرابر ثروت و حمایت‌نکردن حاکمیت از این

فراطبقه، سبب شکاف عظیم اقتصادی میان آنان و مسئولان عالی‌رتبه شده است. دولت مدرن با سازوکارهای حقوقی/اجتماعی آشکار و پنهان، تهیدستان را عاری از هر شأن انسانی قرار می‌دهد. آنان در معرض خشونت عریان ساختار قدرت هستند. گاهی در جامعه‌شناسی قرائت‌های ناقصی از تهیدستان وجود دارد. یکی از کلیشه‌های مسلط، بازنمایی تهیدستان به‌عنوان ناامید، تقدیرگرا و منفعل است (پروین، ۱۳۹۴). تهیدستان نه تنها منفعل نیستند، بلکه قشری پویا و خواهان پیشرفت‌اند که به‌جای یأس در محله‌هایی از امید زندگی کنند (لوید، ۱۳۹۳: ۸۵).

اتنوگرافی انتقادی علاوه بر تمهید روش‌شناختی، ترسیم‌گر چهارچوب مفهومی و برآیند مطالعات انتقادی و تفسیری است. همچنین نظریه‌های مرتبط با این سنت‌های فکری (هاروی، اسکات و بیات) در پژوهش حاضر مرور شده است. نظریه اسکات درباره مقاومت فرودستان بر تعریف و جداسازی دو مفهوم نمایش عمومی و روایت نهانی استوار است. نمایش عمومی، ناظر بر تعامل فرودستان و قدرتمندان در عرصه‌های عمومی و روایت نهانی، روایت فرعی شامل ژست‌ها، سخنان و اقدامات بیرون از صحنه‌ای است که آنچه را در نمایش عمومی ظاهر می‌شود تصدیق، نقض یا تعدیل می‌کند. از آنجا که اشکال سرکوب، فرودستان را از تلافی‌جویی محروم می‌کند، اسکات خود را به پیگیری، بررسی، درک و تفسیر رفتار سیاسی گروه‌های فرودست ملزم می‌کند. ضعیفان اغلب مجبورند در حضور قدرتمندان ظاهرسازی کنند. اگر ما نیز براساس ظاهر قضاوت کنیم، امکان دارد حرکت تاکتیکی را با کل ماجرا اشتباه بگیریم (اسکات، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۷).

از منظر بیات، مردم جایگاه‌های مختلفی را خلق و کشف می‌کنند تا بتوانند ناراضی خود را بر زبان بیاورند و به‌منظور دستیابی به زندگی بهتر ابراز وجود کنند؛ ابزارهایی که به‌کمک آن‌ها جوامع خود را تغییر می‌دهند و به تظاهرات و انقلاب توده‌ای محدود نمی‌شوند. مردم بیشتر به ناچش روی می‌آورند؛ یعنی اقدامات جمعی میلیون‌ها فعال فردی که در میدان‌ها و کوچه پس‌کوچه‌ها انجام می‌گیرد (بیات، ۱۳۹۰: ۸). نادر بودن کنش جمعی غیرمتعارف، بیات را به همسویی با دیدگاه‌هایی سوق می‌دهد که وجه مشخصه آن برجسته‌کردن گونه‌های مختلف کنش در سطح محلی است؛ تاکتیک‌هایی که تهیدستان شهری برای گذران زندگی، امرامعاش و حضور در ساحت عمومی به‌کار می‌گیرند. سیاست مخالفت عمدتاً به میانجی سازوکار شهری ایجاد می‌شود و فضاهای عمومی شهر نقش کلیدی در مبارزه ایفا می‌کنند. ناچش‌ها همان پیش‌روی آرام است. افراد فرودست برای دستیابی به زندگی بهتر، کارزاری آرام درپیش می‌گیرند که شامل تصرف غیرقانونی خانه، زمین و دستیابی به خدمات شهری آب، برق، گاز، جاده و نظایر آن است. دلیلی که سبب مقاومت و مبارزه فرودستان می‌شود، ضرورت است. این ضرورت پاسخی طبیعی و اخلاقی به اضطراب بقا و داشتن زندگی آبرومندانه است (بیات، ۱۳۷۵: ۲۵).

هاروی، جغرافی‌دان معتبر و مارکسیستی متعهد است در آثارش به عدالت اجتماعی توجه ویژه دارد. او ماتریالیسم تاریخی-جغرافیایی را به‌جای ماتریالیسم تاریخی می‌نشانند و بر اهمیت فضا به‌منزله موضوعی جدلی و بر رشد ناموزون جغرافیایی تأکید می‌کند. دیدگاه هاروی را می‌توان در مثلثی سه‌ضلعی قرار داد: نقد نئولیبرالیسم، ارائه بدیل و بازنمایی مبارزه و مقاومت تهیدستان به‌مثابه نوعی کنش. توده‌های زحمتکش نزد هاروی آغازگران مبارزه هستند؛ زیرا فعالیت سیاسی باید در شرایط تاریخی و جغرافیایی مشخص ریشه داشته باشد تا بتواند راهگشای کنش انسانی باشد؛ در نتیجه نبرد طبقاتی از ویژگی فردی سر می‌زند. مبارزات محلی نه تنها مهم است، بلکه ما با دیالکتیکی سیاسی مواجه هستیم و آن بازگشت از مقیاس کلان به مقیاس خرد است (هاروی، ۱۳۹۹: ۷۷-۸۹). توسعه ناموزون جغرافیایی خمیرمایه اصلی مقاومت را در خود دارد که با خشم و ناخشنودی حالتی پیکارجویانه پیدا می‌کند. در محیط‌های محلی هزاران گونه نیروی مخالف امکان ظهور پیدا می‌کنند (همان: ۲۶۵). عمده مبارزاتی که تهیدستان جامعه انجام می‌دهند، نوعی مبارزه بر سر حق به شهر است. ایده حق به شهر از کف خیابان‌ها و محله‌های کثیف برخاسته است و این مجرا فریادی برای

امرامعاش مردم سرکوب شده در این روزگار نومییدی است. هاروی به تبع لوفور به این قضیه می‌پردازد که منازعات، ساختی شهری یافته‌اند و بی‌ثبات‌کاران را به‌منزله نیرویی مبارز به‌جای کارگران کارخانه می‌نشانند (هاروی، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۷).

۴. روش تحقیق

مردم‌نگاری و رویکرد انتقادی از دو منظر بر هم تأثیر گذاشته‌اند. مردم‌نگار می‌تواند به زندگی روزمره افراد نفوذ کند و رویکرد انتقادی نیز توجه را به عناصر سلطه، قدرت و نابرابری در تولید زندگی اجتماعی معطوف می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۸: ۱۹۰). اتنوگرافی انتقادی با این مسئولیت اخلاقی آغاز می‌شود که به فرایندهای بی‌عدالتی در محدوده خاص زندگی افراد می‌پردازد (مدیسون، ۱۳۹۷: ۸). براین اساس، مردم‌نگار انتقادی توجه خود را به نمادهای ظلم معطوف می‌کند (توماس، ۱۹۹۳: ۶). هدف اصلی در اتنوگرافی انتقادی، رهایی افراد از منابع سلطه و سرکوب است. چنین کاری با توصیفی نقادانه و ارائه راهکارهای جانشین صورت می‌گیرد (اندرسون، ۱۹۸۹: ۲۴۹). درهم‌تنیدگی قدرت و مقاومت، بی‌عدالتی، نابرابری اقتصادی و رنج اجتماعی در میان تهیدستان از مؤلفه‌های اتنوگرافی انتقادی و مرتبط با پژوهش حاضر است.

میدان مورد مطالعه، دو محله تپه سید حسین و اسلام‌آباد شهر سنندج است. این محلات نه‌تنها از فرودست‌نشین‌ترین محله‌های سنندج به‌شمار می‌آیند، بلکه به‌دلیل مختصات جغرافیایی و ساخت‌وسازهای غیررسمی نمود بسیاری دارند. روش نمونه‌گیری ترکیبی از هدفمند و گلوله‌برفی است. برای انتخاب نمونه‌ها، ابتدا سراغ افرادی رفتیم که ساخت غیررسمی سبب تخریب خانه و تصرف وسایل آن‌ها شده بود. به‌کمک اهالی باسابقه محل، با افرادی آشنا شدیم که به‌دلیل ساخت‌وساز با نیروهای شهرداری درگیر شده و به زندان رفته بودند. برای دستیابی به داده‌های متنوع به سراغ افرادی با ساخت‌وسازهای متنوع رفتیم؛ برای مثال سازندگان زمین خالی، ترکیب‌کنندگان حیاط با انبار یا اتاق کوچک‌تر، سازندگان یک اتاق اضافی در خانه و تغییردهندگان فضای داخلی خانه‌های قدیمی. در مصاحبه با دست‌فروشان نیز به سراغ کسانی رفتیم که سابقه درگیری، مشاجره و تصرف وسایل توسط نیروهای شهرداری داشتند. در این مطالعه با ۲۵ نفر مصاحبه شد (جدول ۱). برای گردآوری و تحلیل داده‌های اتنوگرافی انتقادی، الگوی پنج‌مرحله‌ای کاراسپیکن مبنا قرار گرفت.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

محل سکونت	سن	شغل	کد	محل سکونت	سن	شغل	کد
تپه سید حسین	۴۰	کارگر ساختمانی	۱۶	اسلام‌آباد	۳۶	کارگر ساختمانی	۱
	۴۲	نگهبان ساختمان	۱۷		۴۰	کارگر ساختمانی	۲
	۳۹	کارگر ساختمانی	۱۸		۳۷	سبزی پاک‌کنی	۳
	۳۴	راننده تاکسی	۱۹		۲۸	راننده	۴
	۴۳	کارگر ساختمانی	۲۰		۳۵	جمع‌آورنده ضایعات	۵
	۲۵	کاشی‌کار	۲۱		۴۹	شاگرد گچ‌کار	۶
	۳۳	پیک موتوری	۲۲		۳۹	کارگر ساختمانی	۷
	۲۹	راننده وانت بار	۲۳		۵۴	کارگر ساختمانی	۸
	۳۴	کارگر نانواپی	۲۴		۲۵	دست‌فروش	۹
	۲۷	کارگر آرماتوربند	۲۵		۶۵	دست‌فروش	۱۰
				۵۰	راننده تاکسی	۱۱	

محل سکونت	سن	شغل	کد	محل سکونت	سن	شغل	کد
					۳۸	بافنده فرش	۱۲
					۴۴	دست‌فروش	۱۳
					۶۲	دست‌فروش	۱۴
					۴۸	دست‌فروش	۱۵

۵. تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

۵-۱. استراتژی‌های اعمال قدرت

فرادستان همواره از مجراهای متعددی اعمال قدرت می‌کنند. اعمال قدرت نیازمند استراتژی است و این استراتژی به میانجی اقتدار ساختاری جایگاه به وقوع می‌پیوندد. با نظر به مفاهیم و کدهای مندرج در جدول ۲، استراتژی‌های اعمال قدرت در میدان مورد مطالعه در قالب چهار مقوله عمده دسته‌بندی شده است.

جدول ۲. کدگذاری باز و محوری استراتژی‌های اعمال قدرت بر تهیدستان

مقوله	مفاهیم / کدها
قدرت کیفردهنده	سیطره ترس، کابوس، کاهش وزن، اقدامات تنبیهی، مزاحمت مکرر، تهدید، بهره‌گیری از ارادل، عریه‌کشی، تحمیل خسارت، ابزار سرکوب، تخریب‌های گسترده، امنیتی‌کردن، ضرب و جرح
قدرت تعاملی (قرارداد تعاملی ضمنی)	همکاری در تصمیم‌گیری، تقسیم کار ساختاری، برنامه‌ریزی هماهنگ، حمایت‌ها و اجماع نهادی، وحدت رویه نهادی، پیوستگی ساختاری، توافق آشکار، توافق‌های ضمنی، تعدد نیروهای نظامی، تعریف خود به‌منزله مجری قانون، تطهیر تخریب
ظرفه رفتن و دام تعلیق	وضعیت نامعلوم، استمرار، بلاتکلیفی، زیست معلق، گم‌گشتگی، وعده واهی، سردواندن، به‌تاخیرانداختن، نابسامانی روزمره، موکول کردن به زمان نامعلوم
نادیده‌انگاری	پاسخ‌گویی، همکاری نکردن، تحقیر، نبود حمایت نهادی، تمایز رفتاری، سرکوب عینی و نمادین، خشونت گفتاری، مشارکت‌ندادن تهیدستان

الف) قدرت کیفردهنده: قدرت کیفردهنده به قدرتی اطلاق می‌شود که به‌صورت نوعی عمل خصمانه یا تهدید به آن اعمال

می‌شود؛ از جمله تصرف عدوانی یا سایر انواع سلب مالکیت، توبیخ زبانی و محکومیت علنی از سوی سایر افراد یا اجتماع. افراد مرعوب این نوع قدرت با حالتهایی چون اضطراب و ترس و لرز مواجه می‌شوند. «اولین ارگانی که ما رو اذیت کرد شهرداری بود. یه شب به قدری ترسیدم و لرزیدم که با کابوس خوابیدم. از ترس اینکه الان دوباره میان و ما و کارگرا رو تهدید می‌کنن و می‌گفتن وسایلتون رو می‌بریم، ازتون تعهد می‌گیریم، باید ساختمانون پلمپ شه. سر کوچه ما نگهبان می‌داشتن، با موتور رفت‌وآمد می‌کردن، به قدری ترسیدم که حداقل دو کیلو کم کردم» (کد ۱۲).

در میدان مورد مطالعه، قدرت کیفردهنده بیشتر با توسل به ارادل و اوباش و اقدامات تنبیهی صورت می‌گیرد: «شهرداری همیشه چند نفر قلدر رو که در جامعه جایگاهی ندارن به مأمور خودش تبدیل می‌کنه و به جون مردم می‌ندازه، یه لگد به دیوار مردم می‌زنن و تخریبش می‌کنن، خونه‌هایی که با بدبختی درست شده تو سی دقیقه تخریبش می‌کنن» (کد ۲۳).

یکی از ابعاد قدرت کیفردهنده، اعمال جریمه‌های سنگین و حبس است: «از ما شکایت کردن و گفتن باید خونه‌تون تخریب شه. سال ۸۴ برای نزدیک ۵۰ متر خونه ما رو ۲۰ میلیون جریمه کردن. برای پدرم که خودش مریض بود در دادگاه حکم جلب آوردن. چند بار حکم اومد پدرم نرفت. اومدن جلوی در و انداختنش زندان» (کد ۲۲).

ب) قدرت تعاملی (قرارداد تعاملی ضمنی): داده‌های میدانی گویای آن است که کارگزاران نهادی در مواجهه با تهیدستان شهری هماهنگ عمل می‌کنند و نوعی ائتلاف نهادی را شکل می‌دهند. ائتلاف نهادی در عرصه ساخت‌وساز بر هم‌سویی دستگاه‌های اجرایی دلالت دارد: «همه اونا با ما برخورد بدی داشتن. شهرداری با همکاری شورای شهر حکم تخریب اینجا رو از دادگاه گرفت و نیروی انتظامی سال ۸۴ حدود ۷۰ خونه رو تخریب کرد» (کد ۲۰). ائتلاف‌ها با هدف اعمال فشار بیشتر بر ساکنان محل است: «نظافت ما در دوره کرونا خیلی سخت شده. هر روز سه تانکر آب جوابگوی ما نیست. اون سه تانکر رو با ۳۰۰ هزار پر می‌کنن. گاز هم نداریم و به‌جای اون از کپسول استفاده می‌کنیم. تا حالا ده بار کپسول گاز منفجر شده و باعث مرگ افراد شده» (کد ۲۱). کارگزاران نهادی به میانجی استراتژی‌های زبانی و چیدمان گزاره‌ها (کار شما غیرقانونی است و ما دستور قضایی داریم) و تکرار و تثبیت آن‌ها به عمل خود وجهت می‌بخشند: «اون شب چند اتوبوس یگان ویژه، ماشین نیروی انتظامی و چند تا لودر برای تخریب اومده بودن. همراه خودشون اسلحه، اسپری و باتوم داشتن. هر کی می‌خواست مقابله کنه یا با باتوم می‌زدنش یا دستگیرش می‌کردن. براشون زن و مرد فرقی نداشت. داخل چشم پدر پیر من اسپری ریختن» (کد ۲۴).

ج) ظفره رفتن و دام تعلیق: زیست جهان تهیدستان شهری با بلاتکلیفی عجین شده است. ظفره رفتن و ازسردواندن، راهبرد اصلی کارگزاران نهادی در مواجهه با خواست بهره‌مندی از انشعاب و خدمات شهری است. به‌جای نه‌گفتن آشکار و مستقیم، ارائه خدمات به زمانی نامعلوم موکول می‌شود. وضعیت حاکم بر تپه سید حسین در ۲۰ سال اخیر را می‌توان دام تعلیق نام نهاد: «ما رو دست به سر می‌کنن، می‌گن فلان روز بیا. فلان روز که می‌ریم می‌گن هیچی به شما تعلق نمی‌گیره. بعد می‌گن نامه‌نگاری کنین، چند ماه دیگه جوابتون رو می‌دیم. بعد اون چند ماه که گذشت می‌گن فلان مدرکتون تکمیل نبود و بعد می‌گن اون مسؤل نیست یا دوره‌ش تموم شده» (کد ۲۵).

د) نادیده‌انگاری: نادیده‌انگاری به‌معنای تصدیق‌نکردن و کنارنهادن است. چنین امری همواره به میانجی سطحی از تحقیر، ریشخند، مشارکت‌ندادن، تبعیض و تمایز به‌وقوع می‌پیوندد. ترکیب پاسخ‌گونی و خشونت بیانی کارگزاران نهادی، نتیجه تصدیق‌نکردن تهیدستان است: «برای امتیازها به اوقاف می‌ریم، می‌گه برو اداره گاز. اداره گاز می‌ریم می‌گه برو فرمانداری. اونجا می‌ریم می‌گه برو شهرداری. اونجا می‌ریم، ازمون تقلید می‌کنن می‌گن اینا گدا گشنه‌ن، ایسگامون می‌گیرن» (کد ۲۲). تهیدستان برای کارگزاران محلی از اعراب ندارند: «ما رو آدم حساب نمی‌کنن. شهروند درجه سوم هم محسوب نمی‌شیم. فکر می‌کنی نظر من براشون مهمه؟ قطعاً من مشکلات اینجا رو بهتر از اونا می‌دونم» (کد ۴). از دیگر سویه‌های نادیده‌انگاری، تمایز در مواجهه با مراجعان است: «اگه من با لباس کردی برم اداره گاز و بگم از تپه سید حسین اومدم و یکی دیگه با کت و شلوار از شالمان بیاد، اول جواب سلام اونو می‌دن؛ به‌خاطر اینکه من کارگرم و با لباس کردی اومدم و دست‌هام خاکیه، ولی اون کت و شلوار داره» (کد ۱۶). مشارکت‌ندادن از دیگر ابعاد نادیده‌انگاشتن است. «ما رو آدم حساب نمی‌کنن. شهروند درجه سوم هم محسوب نمی‌شیم. فکر می‌کنی نظر من براشون مهمه؟ قطعاً من مشکلات این محله رو از اونا بهتر می‌دونم، ولی اونا اصلاً از ماها نمی‌پرسن» (کد ۴).

۲-۵. فرهنگ بدیل تهیدستان

تهیدستان شهری می‌کوشند به میانجی همراهی با یکدیگر در مواقع اضطرار فشارهای زندگی را تخفیف دهند. حمایت‌های متنوع همسایگان و آشنایان در تنگناهای روزانه، نوعی بدیل است. براساس مفاهیم و مقوله‌های مندرج در جدول ۳، فرهنگ بدیل تهیدستان در پنج مقوله عمده دسته‌بندی شده است.

جدول ۳. کدگذاری باز و محوری فرهنگ بدیل تهیدستان

مفاهیم/ کدها	مقوله
مشارکت در موقع ساخت، فراهم کردن غذا، نگهداری از خانه، ارائه وسایل کار، پشتیبانی از همسایه، ایستادگی در برابر نیروی شهرداری	همیاری در ساخت مسکن
نوع‌دوستی، انسایت‌گرایی، برابری‌طلبی، ارائه موقتی خدمات، دموکراسی پنهان	ارائه خدمات شهری دائم/ موقت
دلگرمی، راهنمایی، مشاوره به همسایه، سنگ صبور یکدیگر، حمایت در مقابل طلبکار، حمایت گفتاری	حمایت عاطفی و کلامی
حمایت عملی آشنایان، تقسیم کار خانوادگی، کار مجانی، بهره‌گیری از تخصص، خودیاری درون‌گروهی	همیاری سنتی و غیرمادی
اعمال پنهانی، شیوه‌های خلاقانه، استفاده خودسرانه از خدمات شهری، توجیه عمل، بهره‌گیری فردی/ جمعی از خدمات شهری	به‌کارگیری پنهانی خدمات شهری

الف) همیاری در ساخت مسکن: مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت بنیادی همسایگی و حمایت در ساخت مسکن اذعان داشتند. کمک‌ها طیف وسیعی از حمایت‌ها را دربرمی‌گیرد: «همسایه ما به ما آب داد، در آخر هم پولشو ازم نگرفت. بعضی از وسیله‌ها رو هم می‌داشتیم داخل حیاطشون که کسی ندزده. چند بار هم برای کارگرها صبحانه و ناهار درست کردن» (کد ۶). عرفان نیز در این باره می‌گوید: «مصلح رو داخل حیاط یکی از همسایه‌ها می‌بردیم و اونجا ملاط درست می‌کردیم. اونا تو خالی کردن مصالح به ما کمک می‌کردن» (کد ۷).

ب) ارائه خدمات شهری دائم یا موقت: افراد به‌دلیل دشواری مالی و ارائه‌نکردن خدمات شهری، به شیوه‌های موقت خدمات شهری مانند آب، برق و گاز روی می‌آورند: «یکی از همسایه‌های ما خیلی آدم باشرفیه. گفت بهتون برق می‌دم. منم گفتم نمی‌شه، خونه ما ۲۰-۳۰ متر با هم فاصله داره. گفت کارت نباشه برو حدود سی متر سیم بیار. خودش از کنتور برق سیم‌کشی کرد اون طرف و یه فیوز برق اونجا گذاشت. ما سیم رو به اون فیوز وصل کردیم و از زیرزمین آوردیم خونه‌مون و به جاهایی که می‌خواستیم سیم‌کشی کردیم» (کد ۱۱). ابراهیم نیز در این باره می‌گوید: «یکی از همسایه‌های ما آقا جلاله. یه دختر ده ساله دارم با دخترش همبازیه. بهش گفته بود که دیشب سرمام شده و گاز نداریم، اونم گاز داخل خونه‌شو به حیاط ما رد کرد و ما هم از اونجا گازکشی کردیم داخل خونه؛ یکی برای بخاری و یکی برای آبگرمکن» (کد ۸).

ج) حمایت عاطفی و کلامی: همسایگان در مواقع اضطرار به انحای گوناگون از یکدیگر حمایت می‌کنند. کیوان از ساکنان تپه سید حسین تجربه خود را چنین روایت می‌کند: «صاحب مصالح‌فروشی اومد جلوی در و شروع کرد به داد و بیداد. یکی از همسایه‌ها وقتی جریان رو فهمید، گفت: به خدا الان پول نداره، وگرنه پول شما رو می‌داد. هرکسی توی اینجا خونه درست کنه با قرض درستش می‌کنه؛ چون اکثرأ فقیر هستیم. همسایه من کلی باهش حرف زد و یه فرصت یکی دوماهه برام گرفت» (کد ۱۶).

همسایه‌ها در صورت ناتوانی از کمک مالی به حمایت‌های عاطفی و کلامی ادامه می‌دهند: «شاید من نتونم به لحاظ پولی به همسایه کمک کنم، ولی می‌تونم بهش دلگرمی بدم، مواظبش باشم، بگم خدا بزرگه. ما اینجا از ته دل به همدیگه دلگرمی می‌دیم» (کد ۲۲).

د) همیاری سنتی و غیرمادی آشنایان: برای افراد تهیدست همواره لحظات حساسی وجود دارد که بدون کمک آشنایان نمی‌توان آن لحظات را پشت سر نهاد. ساخت مسکن همان مقطع سرنوشت‌ساز است: «یه مینی‌بوس از روستا از اقوام و آشنایان ما اومدن. این اقوام و آشنایان در مواقع حساس و ضروری می‌تونن به آدم کمک کنن» (کد ۴). تجربه در ساختمان‌سازی در میان آشنایان امتیاز است و به نوعی تقسیم کار خانوادگی هنگام ساخت خانه منجر می‌شود: «برادر، برادرزاده، دایی، عمو، همه اومدن و در حد توان خودشون کمک کردن. یکی بنایی انجام می‌داد، یکی سیمان‌کاری، یکی جوشکاری، خلاصه هر کدوم یه گوشه از کار رو گرفتن» (کد ۱۷).

ه) به‌کارگیری پنهانی خدمات شهری: امتناع نهادهای دولتی از ارائهٔ انشعابات شهری، تلاش تهیدستان در تأمین خدمات مورد نیاز به اشکال دائم یا موقت را به‌صورت مخفیانه در پی دارد: «رفیقم اومد و گفت باید آسفالت کوچه رو حفر کنیم و یه کم بریم پایین تا به شاه‌لولهٔ اصلی کوچه برسیم. بعد اینکه لوله رو پیدا کردیم، کمر بند رو دور لولهٔ اصلی پیچوند و اون قسمت رو با مته سوراخ کرد و حسابی اون قسمت رو سفت کرد. از اون قسمت، تونست از زیر زمین به وسیلهٔ لوله به خونهٔ ما لوله‌کشی کنه» (کد ۱). ساکنان تپهٔ سید حسین معمولاً آب و برق را گروهی تأمین می‌کنند: «قبل اینکه به ما برق بدن، یه تراز اصلی اون پشت بود، بعد ما چند خانواده بودیم، یه کابل می‌خریدم و برق رو تا اونجا می‌کشیدیم. بعدش ۶-۷ خانوار یه کنتور وصل می‌کردیم و برق رو بین خودمون تقسیم می‌کردیم» (کد ۲۳).

۳-۵. سازوکار جمعی به چالش کشیدن نظم مسلط

بخش مهمی از اتنوگرافی انتقادی معطوف به سازوکار مقاومت در برابر انقیاد است. دربارهٔ اشکال جمعی مقاومت تهیدستان به چهار مقوله دست یافتیم. این چهار شکل، با برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد.

جدول ۴. کدگذاری باز و محوری سازوکارهای جمعی به چالش کشیدن نظم مسلط

مفاهیم / کدها	مقوله
کنش پر سروصدا، کنش دلیرانه، برون‌ریز خشم جمعی، بستن جاده، ترافیک طولی، راه	مبارزه برای روشنایی، عکس‌العمل جمعی، کنش پر سروصدا، کنش دلیرانه، برون‌ریز خشم جمعی، بستن جاده، ترافیک طولی، راه
بن‌داز، اخلال در عبور و مرور، مسدودسازی اتوبان	بن‌داز، اخلال در عبور و مرور، مسدودسازی اتوبان
بی‌اهمیتی پیگیری فردی، تجمع جمعی، اعتراض، فرایندی آگاهانه، امر فردی به‌مثابهٔ امر جمعی، هماهنگی	بی‌اهمیتی پیگیری فردی، تجمع جمعی، اعتراض، فرایندی آگاهانه، امر فردی به‌مثابهٔ امر جمعی، هماهنگی
نشستن جلوی ادارات، کنش سیاسی، بلوغ سیاسی، تکان‌بخوردن از جلوی ماشین، نمایان کردن نارضایتی	نشستن جلوی ادارات، کنش سیاسی، بلوغ سیاسی، تکان‌بخوردن از جلوی ماشین، نمایان کردن نارضایتی
افراد کاریزماتیک، توانایی رهبری، کاربست اشعار انتقادی، تقسیم کار اعتراضی، آموزش نارضایتی، پذیرش جمعی	افراد کاریزماتیک، توانایی رهبری، کاربست اشعار انتقادی، تقسیم کار اعتراضی، آموزش نارضایتی، پذیرش جمعی
رهبران خودانگیخته	رهبران خودانگیخته

الف) تعلیق نظم اجتماعی: یکی از اقدامات متعارف با هدف اعمال فشار و تخلیهٔ مناطق حاشیه‌نشین، قطع برق منطقه است. در تپهٔ سید حسین، قطع سراسری برق و مختل شدن زندگی روزمره، ساکنان را با مسائل جمعی روبه‌رو کرد. سیوان، از ساکنان تپهٔ سید حسین، از روزی می‌گوید که مجبور شدند جاده را مسدود کنند: «یه بار برق اینجا رو به مدت چند روز قطع کردن. ما هر چی پیگیری

کردیم، جواب ندادن. رفتیم اتوبان روی جاده رو بستیم. ترافیک تا نزدیک سه راه مریوان رفت» (کد ۲۴). کاوه در این باره می‌گوید: «اون سال ترانس‌های برق رو از کار انداختن و گفتن کار شما غیرقانونیه و باید جریمه‌تون کنیم. از هر خانواده دو نفر یا یک نفر جمع شدیم و جاده ورودی شهر رو بستیم. اجازه ندادیم ماشینا بیان و برن. بعد اون دیگه به ما به برق نیمه‌موقت دادن» (کد ۲۳).

ب) تجمع اعتراضی هوشمندانه: ترکیب دوگانه بی‌پاسخی و تطمیع، ساکنان تپه سید حسین را به پیگیری جمعی مطالبات وامی‌دارد: «ما اینجا به مسجد درست کردیم، قبل اینکه تجمع کنیم، توی بلندگو می‌گیم بیاین اینجا می‌خوایم تجمع کنیم و قبلش به سری چیزارو هماهنگ می‌کنیم» (کد ۲۱). ساکنان در بیشتر موارد درباره تجمع به ارگان‌های انتظامی خبر می‌دهند تا دست آنان را برای سرکوب ببندند: «به خیلی از ارگان‌ها مثل نیروی انتظامی و یگان ویژه خبر می‌دیم که ما جلوی استانداری و فرمانداری تجمع می‌کنیم و می‌گیم قصد آشوب و اغتشاش و اینا که خودتون می‌گن نداریم تا نتونن به ما برچسپ سیاسی و دعوا بزنن» (کد ۲۳).

ج) تحصن / نافرمانی مدنی: به گفته مصاحبه‌شوندگان، زمانی که برای پیگیری مطالبات به نهادی چون استانداری مراجعه می‌کنند و خواهان ملاقات با مدیران هستند با پاسخ‌های همیشگی «برای بازدید بیرون رفتن»، «توی شهرستانه»، «مریضه» و... روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها نیز به نشانه اعتراض به تحصن و بست‌نشستن جلوی ادارات روی می‌آورند: «یه بار رفتیم جلوی در ورودی استانداری و نشستیم و گفتیم یا نمی‌شیم. زنگ زدن یگان ویژه. اونجا درگیری و کتک‌کاری پیش اومد و به شیوه ناشایستی با ما برخورد کردن» (کد ۲۵). فرشید در این باره می‌گوید: «ما به بار رفتیم جلوی در استانداری و از جای خودمون تکون نخوردیم. اونا وقتی دیدن یا نمی‌شیم، با پای خودتون اومدن جلوی در» (کد ۲۲).

د) رهبران خودانگیخته: تهیدستان در بعضی مواقع در جایگاه سخنگو یا صحنه‌گردان ظاهر می‌شوند. اگر در میان آن‌ها فردی کاریزماتیک وجود داشته باشد که بتواند جمع را نمایندگی کند، آنان از او پیروی خواهند کرد. احمد کنش جمعی دست‌فروشان را این‌گونه روایت می‌کند: «پسر جوانی بود که خیلی باسواد بود، فکر کنم فوق‌لیسانس داشت. حرفش بین ما سندیت داشت. به کهنه‌فروشا و میوه‌فروشای این خیابون گفت: اگه فهمیدین میوه گندیده یا لباسی دارین که کسی اونو نمی‌خره، نگه دارین برای فردا، احتیاجش داریم. فرداش گفت هر کدوم وسیله‌های خودتون رو بگیرین دستتون و بیاین دنبال من. وقتی رسیدیم نزدیک اون اداره، گفت: وسیله‌های به‌درند خورمون رو به نشانه اعتراض اونجا می‌ذاریم که بقیه ببینن و ازش فیلم بگیرن و آبروشون بره» (کد ۱۰). یکی دیگر از دست‌فروشان از شعر به‌عنوان سلاحی اعتراضی نام می‌برد و می‌گوید: «یکی بود اهل لیلاخ بود، خیلی شعر بلد بود. دو بار با اون رفتیم جلوی شهرداری و اون هر چی می‌گفت ما تکرار می‌کردیم. دست‌فروش فقیره، از دست شما اسیره» (کد ۱۳).

۴-۵. تاکتیک‌های مقاومت تهیدستان

تاکتیک‌های مقاومت ترکیبی از اشکال فردی و گروهی مقاومت است که در مقابل نیروهای نهادی صورت می‌گیرد. براساس مفاهیم و مقوله‌های مندرج در جدول ۵، هفت مقوله عمده شناسایی شدند.

جدول ۵. کدگذاری باز و محوری تاکتیک‌های مقاومتی تهیدستان

مقوله	کد/ مفاهیم
تعارض	مریض‌نمایی، فریب نیروهای نهادی، آسیب به خود، کنش اجباری، درآمدن از وضعیت بفرنج، کسب امتیاز، تغییر در موازنه وحشت
اقناع	گفت‌وگو، تأکید بر نقاط همسان، همراه‌سازی، راضی کردن، بازگرددن شرایط، جلب موافقت، برانگیختن حس همدردی
حربه‌های هنگام کار	مخفی‌کاری، مشکوک‌نشدن، تقسیم کار، مرحله‌بندی فرایند کار، بهره‌گیری از فرصت‌های کمیاب، اولویت‌بندی

مقوله	کد/ مفاهیم
انتقام‌جویی	تلافی ظلم، تنبیه فرادستان، پاسخ به رنج، بازپس‌گیری غرور، اعاده حیثیت، اقدامات طراحی‌شده، قهرمان‌پروری، نبود عدالت قضایی
تهدید بیانی	هشدار، کنش خنثی، بازنمایی خشم در واژگان، تهدید به عمل متقابل، مرحله پیش‌انتقامی، آتش زیر خاکستر
دفاع و مبارزه مشروع	توجیه مقاومت، حق طبیعی، دفاع از خانواده، دفاع از سرپناه، مقاومت در برابر هجوم جمعی، آغازگر نبودن منازعه، فروپاشی ترس، اعلام وجود، درگیری علنی، صف‌آرایی، مبارزه در فضاهای عمومی، فراری‌دادن نیروهای سرکوب
تمرد	سرپیچی از دستور، پیروی نکردن، نافرمانی، تعطیل نکردن کار، خوابیدن جلوی لودر، ایستادن زیر سقف

الف) تمارض: افراد زمانی به این عمل دست می‌زنند که با بن‌بست روبه‌رو شوند. تمارض در حوزه ساخت مسکن سبب بازداشتن نیروهای شهرداری از تخریب و دورشدن آن‌ها از محل منازعه می‌شود. «ساعت ده صبح بود که نیروهای شهرداری اومدن جلوی خونه ما و درگیری شد. یکی از اونا ناخواسته به من برخورد کرد، خودمو به بی‌هوشی زدم. پدرم منو انداخت رو کول خودش و رفتیم کلاتری. گفتن هیچی نیست یه آب قند بدید بهش خوب می‌شه. منم پشتمو به اونا کردم و دستمو بردم داخل گلوم و گفتم اوع اوع. رئیس گفت: برید بیرون کاغذ می‌دم برای پزشکی قانونی. اونی که به من زده بود می‌لرزید. فرداش اومده بودن جلوی در و حسابی ترسیده بودن» (کد ۳). ابراهیم ساکن اسلام‌آباد، برخلاف شهلا روش پرخطری را در پیش گرفته بود: «درگیری شروع شد. اونا اجرای جلوی در رو به طرف ما پرت کردن. منم رفتم داخل حیاط و یه آجر کوبیدم سر خودم و از سرم خون اومد و گفتم شما این کارو کردین. می‌رم پزشکی قانونی و بعد زنگ زدم ۱۱۵. اگه این کارو نمی‌کردم ول کن نبودن» (کد ۸).

ب) اقناع: اقناع به تاکتیک‌های دیگر، روشی بدون هزینه و کم‌استرس است. این عمل به میانجی پیدا کردن نقاط همسان و مخرج مشترک میسر می‌شود: «من از اول فهمیدم که نمی‌شه با زور باهاشون حرف زد، اول باهاشون دوستانه حرف زد، دوم ازشون خواهش و تمنا کردم، سوم گفتم تو رو خدا بیاید بشینین جای بخوریم، وقتی نشستیم گفتم خودت پدر و مادر داری، فکر کن من مثل پدرتم. بعد بهش گفتم ما هردو انسانیم، همشهری هستیم، هم‌مذهبییم» (کد ۱۱).

ج) حرب‌های هنگام کار: حرب‌های هنگام کار طیف گسترده‌ای از مخفی‌کاری‌ها را دربرمی‌گیرد که سبب مشکوک‌نشدن نیروهای شهرداری می‌شود؛ برای نمونه افرادی که خانه کلنگی می‌سازند، کار را به اجزای مختلفی تقسیم می‌کنند و ابتدا بخش اولویت‌دار را انجام می‌دهند: «در ابتدا دیوار بیرونی خونه رو تخریب نکردم که مشخص نباشه کار می‌کنم. بعد اون شروع کردم چال ستون‌ها رو کندم و صفحه ستون‌ها رو جاگذاری کردم. دیوارو به سمت بالا شکافتم و تیغه بین اتاق‌ها رو تخریب کردم» (کد ۱). هیوا ساکن اسلام‌آباد در این باره می‌گوید: «ما دو ساعت در شب کار می‌کردیم، اون موقع نیروهای شهرداری شیفتشون رو عوض می‌کردن. چند ردیف دیوار رو با بلوک می‌داشتیم و روی اونو با قالی و موکت می‌پوشوندیم تا مشخص نباشه. چند روز این‌جوری کار کردیم» (کد ۵).

د) انتقام: برخی مصاحبه‌شوندگان اقداماتی را که سبب متضررشدن آن‌ها شده بود بی‌پاسخ نمی‌گذاشتند و دست به اقدامات تلافی‌جویانه در خفا یا آشکارا می‌زدند: «آدم باید خودش حقشو بگیره. شکایت کردن هیچ فایده‌ای نداره. فقط وقت و پول آدم هدر می‌ره. اونا داخل همدیگه رفیقن. هیچ‌وقت نمی‌آن پشت همدیگه رو به‌خاطر یه کارگر بیچاره مثل من خالی کنن. اگه شکایت کنی شاید به بلایی سرت هم بیارن» (کد ۲). یکی از اشکال انتقام، گرفتن عکس و تهیه فیلم است که نوعی بدنامی اجتماعی برای

نیروهای نهادی در پی دارد: «وقتی نیروهای شهرداری می‌آیند اینجا، من و دخترای همسایه از شون عکس و فیلم می‌گرفتیم. اگه کسی ذره‌ای حیثیت داشته باشه می‌فهمه این عکس و فیلم چه معنای خرابی براشون داره» (کد ۱۲).

ه) تهدید: تهدید بیانی شکل بالقوه انتقام‌جویی است. آرمان تهدید را راه خلاص شدن از وضعیت برزخی می‌داند که با آن روبه‌رو بود: «وقتی قرار بود نیروی انتظامی و شهرداری اینجا رو تخریب کنن، رفتم زیر سقف خونه و گفتم اگه جرئت دارین خونه رو تخریب کنین. اگه شما ما رو بکشین ما هم بی‌کس و کار نیستیم. چهار روز دیگه می‌آن و شما رو پیدا می‌کنن و می‌کشن و حق ما رو از شما می‌گیرن» (کد ۱۹). به باور یکی از مصاحبه‌شوندگان مسئولان با رفتار سنجیده می‌توانند از عملی شدن تهدید جلوگیری کنند: «رفتم شرکت گاز و به رئیس اونجا گفتم به ما گاز بدین. جواب ندادن. گفتم شاه‌لوله اصلی گاز از محله ما رد شده و به بعثت رفته. ما می‌خوایم دور لوله گاز رو خالی کنیم و لاستیک بندازیم و نفت بندازیم روی لاستیک تا دیر خاموش شه. بعد از اون به فاصله ۲۰۰ متر بنزین می‌ریزیم تا همه جارو آتیش بزینیم و دیر خاموش شه. رئیس اونجا گفت: کی اینارو یادتون داده؟ بعد با ما صحبت کرد تا اروم شدیم» (کد ۲۱).

و) دفاع مشروع: تهیدستان خود را آغازگر منازعه نمی‌داند و دفاع از داشته‌های حداقلی و محافظت از ناموس و غیرت را حق مشروع خود عنوان می‌کنند: «وقتی نیروهای شهرداری ۲۰-۳۰ نفری هجوم می‌آرن و شروع به تهدید و تخریب می‌کنن و به خانواده ما حمله می‌برن، اگه آدم حیوونم باشه، احساساتش جریحه‌دار می‌شه. ما هم به شیوه‌های مختلفی از خودمون و خانواده‌مون مقابل اونوا دفاع کردیم» (کد ۲۵). کیوان نیز در این باره می‌گوید: «ما نمی‌تونستیم همین‌جوری نگاه کنیم و هیچی نگیم تا خونه‌مون رو خراب کنن. اینجا خونه و تمام دار و ندار ماست. وقتی اونوا ۲۰ نفر برای دعوا می‌آرن، انتظار داری همین‌جوری نگاه کنیم؟ ما هم هر جوری شده باید از خودمون دفاع کنیم. از بزرگ تا کوچیک هر کدوم به نحوی از ناموسمون دفاع می‌کردیم» (کد ۱۶).

ز) ترمذ: تهیدستان با وجود آگاهی از فرمان‌ها و احکام نهادی در شرایط اضطرار از آن سرپیچی می‌کنند. به دلیل داشتن دیوار مشترک با همسایه‌ها و غیرقابل عبور بودن کوچه‌ها برای ماشین‌های سنگین، تخریب خانه‌ها دشوار است؛ مگر خانه‌ای که اطراف آن خالی باشد. «وقتی حصار خونه‌مو گرفتیم، دیگه از تهدیدهاشون نمی‌ترسیدم. هرچی می‌گفتن بیا بیرون و زود باش، درو باز کن، اگه باز نکنی فلان کارو می‌کنیم، بهشون گوش ندادم. آخرش رفتن دستور قضایی گرفتن و خونه رو انداختن ماده ۱۰۰. توی ماده ۱۰۰ هم آدم مشمول جریمه می‌شه» (کد ۸). محمد ترمذ خود به‌عنوان دست‌فروش را چنین عنوان می‌کند: «بهشون می‌گم برید برامون شغل آبرومندانه درست کنین تا اینجا دیگه واینستیم. اونوا فقط می‌خوان از ما پول بگیرن. منم از جام تکون نمی‌خورم» (کد ۹).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بازنمایی دوگانه قدرت و مقاومت در زندگی تهیدستان شهری است. فهم مقاومت تهیدستان بدون درک چگونگی اعمال قدرت از سوی کارگزاران نهادی ناممکن است. براین اساس، نخست به شناسایی استراتژی‌های اعمال قدرت پرداختیم. بر مبنای یافته‌ها، استراتژی‌های اعمال قدرت کارگزاران نهادی به تهیدستی مضاعف و تحمیل رنج بیشتر ساکنان تپه سید حسین و اسلام‌آباد انجامیده است. تورم قدرت و اعلان وضعیت استثنایی در این مناطق حامل این معناست که تهیدستان مستحق زیستن در شرایط اضطرار هستند.

تهیدستان تپه سید حسین، بازنمای تعریف آگامبن از هوموساگر هستند. هوموساگر کسی است که با زیست در معرض خطر مواجه می‌شود و می‌توان تمام دارایی او را در طرفه‌العینی و جلوی چشم خودش از او ستاند و نابود کرد (آگامبن، ۱۳۹۵: ۷). تهیدستان نه تنها

شاهد تخریب سرپناه‌هایشان بودند، بلکه با فشار/ خشونت سیستماتیکی پس از تخریب سرپناه مواجه شده‌اند. ائتلاف نهادی و قرارداد تعاملی ضمنی کارگزاران نهادی نه تنها در امر تخریب، بلکه در ارائه‌نکردن انشعابات شهری نیز مشاهده می‌شود. آنان به صورت رسمی آب، گاز و تلفن ثابت ندارند، بلکه تنها به برق موقتی دسترسی دارند که به سادگی امکان بازپس‌گیری آن وجود دارد. هومر ساکرنامیدن تهیدستان شهری در محله‌های یادشده بی‌راه نیست و بهره‌مند نبودن از امکانات شهری موجب شده است ساکنان به تأمین خودسرانه آب، گاز و برق مبادرت کنند که علاوه بر تحمیل هزینه‌های بسیار گزاف، آنان با مخاطرات جانی عدیده‌ای (مانند بیماری‌های مسری به دلیل دسترسی نداشتن به آب بهداشتی، مرگ به دلیل برق‌گرفتگی و انفجار گاز) روبه‌رو شده‌اند. در صورت اعتراض و بیان نارضایتی نیز با پاسخ تکراری «شرایط این روزهای استان/ کشور حساس است. چرا تجمع کرده‌اید؟ صبر کنید بگذارید این دوره نیز تمام شود» روبه‌رو می‌شوند؛ پاسخی که بازنمای مفهوم وضعیت استثنایی آگامین است. وضعیت استثنایی در نظر آگامین با تمدید به حیات خود ادامه می‌دهد و براساس آنچه ما در پژوهش یافتیم، به میانجی تعلیق کارکنان نهادی به گونه‌ای طوطی‌وار به بازپخش گفته‌های صاحبان قدرت می‌پردازد. وضعیت استثنایی به بخشی از زندگی روزمره تهیدستان بدل شده است؛ زیرا صاحبان قدرت توان عبور از آنچه را که خود پیچ تاریخی می‌نامند، ندارند. اگر تهیدستان بخواهند به مقاومت متوسل شوند، دوباره سرکوب می‌شوند. کارگزاران نهادی بار دیگر تهیدستان را به میانجی مفاهیم هجمه می‌کنند؛ مفاهیمی از جنس آشوبگر، اغتشاشگر و اخلاص‌گر. براساس اظهارات ساکنان اسلام‌آباد و تپه سید حسین می‌توان نتیجه گرفت آنان با اختلال و نابرابری در تصدیق به منزله یکی از استراتژی‌های مدنظر عاملان قدرت مواجه هستند. براین اساس یکی از نخستین نمودهای تهیدستی، زیست غیررسمی و خارج شدن از قلمرو حمایت‌های دولتی، ساختاری و رسمی است. مشاغل غیررسمی (کارگران فصلی، دست‌فروشان، زباله‌گردان، مشاغل پاره‌وقت و...) در میدان مورد مطالعه از شمول تأمین اجتماعی و هر نوع حمایت اجتماعی و امتیاز که دولت و نهادهای دیگر ارائه می‌دهند محروم هستند. از آنجا که لایه‌های زیرین جامعه مشمول حوزه رسمی نمی‌شوند، چتر حمایتی قانون نیز آن‌ها را دربر نمی‌گیرد.

تهیدستان را یک نهاد یا دستگاه اجرایی واحد طرد نمی‌کند، بلکه آن‌ها محذوفانی سیستماتیک هستند و با نوعی خشونت نهادی مواجه می‌شوند. دانش ضمنی کارگزاران نهادی، با تلقی تهیدستان به مثابه دشمن و تهدید نظم اجتماعی، ضعیف نگاه داشتن تهیدستان را در دستور کار قرار داده است. تهیدستان در تهیدستی‌شان مقصر نیستند، بلکه محصول ضعف و ناکارآمدی ساختار نهادی هستند که به انحای گوناگون در تولید، بازتولید و گسترش تهیدستی سهم دارند. تجربه زیسته ساکنان دو محله مدنظر با نبود تصدیق و تبعیض آمیخته است؛ تبعیض و تمایز در برخورد با مراجعان، پاسخ‌دادن دیر هنگام/ پاسخ‌گونی، تمایز در مدت زمان پاسخ‌گویی و توزیع نابرابر منابع و خدمات شهری.

هاروی شرایط نابرابر را سبب شکل‌گیری هسته‌های اولیه مقاومت در محله‌های فرودست‌نشین می‌داند. این مقاومت‌ها امکان اشاعه به فضاهای عمومی را نیز دارند؛ به همین دلیل فضا اهمیت می‌یابد و عمده منازعات تهیدستان درباره ساخت خانه و استقرار در یک مکان برای دست‌فروشی فضا مندم است. دلیل کاربست و ارتباط دیدگاه بیات با پژوهش حاضر، اولویت امر محلی بر ملی، تأکید بر مبارزات شهری و اهمیت توجه به سیاست خرد بود. نحوه مواجهه تهیدستان با مطالبات و مسائل روزمره به این قضیه مربوط است که آیا این مسئله تنها به من مربوط است یا کوچهای به خصوص یا کلیت یک منطقه را دربرمی‌گیرد؟ بر مبنای یافته‌ها ساکنان اسلام‌آباد هنگام مواجهه با مسئله‌ای چون ساخت خانه تلاش می‌کردند به شکل فردی مقاومت کار خود را پیش ببرند، اما شکل غالب مقاومت در میان ساکنان تپه سید حسین مبارزه جمعی بود. کاربست اشکال جمعی مبارزه بازنامگر وجود مسائل مشترک است. آنان گاهی درون محله خود مقاومت می‌کردند و گاهی نارضایتی را به جلوی ادارات دولتی سوق می‌دادند. آنان به تجمع، تحصن، مسدودسازی اتوبان، دفاع و مبارزات شجاعانه جمعی روی می‌آوردند و منفعت فردی را به منفعت جمعی گره می‌زدند؛ زیرا خدمات شهری به نحوی

سیستماتیک از آنان سلب شده است. فقدان مطلق در تپه سید حسین، نوعی تجربه درد مشترک است که سبب مقاومت و منازعاتی در میان آنان شده است. مواقعی نیز وجود دارد که موقعیت متزلزل فرودستان سبب سکوت مقطعی یا خلق پشت‌صحنه‌ای شده است. اسکات این قضیه را فروسیاست می‌نامد. به تاسی از اسکات، شرایط شکننده زندگی فرودستان به شیوه‌ای است که نباید انتظار مبارزه سیاسی و آشکار داشته باشیم؛ در نتیجه آنان به شیوه‌های کم‌خطر برای مقابله با فرداستان روی آورده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، گاهی پشت‌صحنه را جمع کوچکی از دوستان اجرا می‌کنند و امکان به نمایش درآمدن چنین امری در حضور فرادستان در لحظاتی استثنایی وجود دارد.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «تهیدستان شهری و تاکتیک‌های مقاومتی: اتنوگرافی انتقادی فرودستان تپه سید حسین و اسلام‌آباد شهر سندج»، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

۷. منابع

- آگامین، جورجو (۲۰۰۵). *وضعیت استثنایی*. ترجمه پویا ایمانی. تهران: نشرنی.
- آشوری، کسری، ایراندوست، کیومرث و خالقی‌پناه، کمال (۱۳۹۷). تحلیل فرایند تولید فضای غیررسمی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر سندج. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۵(۱)، ۲۱۱-۲۴۲. <https://doi.org/10.22067/gusd.v5i1.72321>
- اسکات، جیمز (۱۹۹۰). *سلطه و هنر مقاومت*. ترجمه افشین خاکباز. تهران: مرکز.
- ایثاری، مریم، شجاعی‌زند، علیرضا و آروین، بهاره (۱۳۹۸). تعاملات میان سیاست‌های شهری و زیست غیررسمی تهیدستان در فضای شهری: ارائه یک مدل نظری. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۱(۱)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74360>
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). بررسی انتقادی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۱)، ۷۹-۱۰۲. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58377>
- بیات، آصف (۱۹۹۶). *سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهیدستان شهری در ایران*. ترجمه سید اسدالله نبوی. تهران: شیرازه.
- بیات، آصف (۱۳۹۰). *زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر دادند*. ترجمه فاطمه صادقی. کتابخانه الکترونیکی امین. https://engare.net/wp-content/uploads/2020/11/Life-as-Politics_Engare.net_.pdf
- پرلمن، جانیس (۲۰۱۰). *فاولا: چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های غیررسمی ریودو ژانیرو*. ترجمه کیومرث ایراندوست و گلابول مکرونی. سندج: دانشگاه کردستان.
- پروین، ستار و درویشی‌فرد، علی‌اصغر (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری؛ مطالعه موردی: محله هرندی. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷(۲۳)، ۵۱-۸۹. <https://doi.org/10.22054/qjisd.2015.1743>
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). *زندگی روزمره تهیدستان شهری*. تهران: آگاه.
- قرخلو، مهدی، عبدی ینگگی کند، ناصح و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸). تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سندج. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۲(۶۹)، ۱-۱۶.
- لوید، پیتر (۱۳۹۳). *طبقه کارگر و تهیدستان شهری در جهان سوم*. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: آشیان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: لوگوس.

- مدیسون، سونیی (۲۰۰۵). *مردم‌نگاری انتقادی*. ترجمه فهمیه سادات کمالی. تهران: علمی و فرهنگی.
- هاروری، دیوید (۲۰۲۰). *از حق به شهر تا شهرهای شورشی*. ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت. تهران: آگاه.
- Agamben, G. (2005). *State of exception*. Translated by P. Emani. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Anderson, G. L. (1989). Critical ethnography in education; origins, current status, and new directions. *Review of Educational Research*, 59(3), 249-270.
<https://www.cedu.niu.edu/~walker/research/Ethnography%20Critical.pdf>
- Ashoori, K., Irandoost, K., & Khaleghpanah, K. (2018). Analysis of informal space production process in Sanandaj. *Geography and Development of Urban Space*, 5(1), 211-242.
<https://doi.org/10.22067/gusd.v5i1.72321>
- Bayat, A. (1996). *Street politics: Poor people movement in Iran*. Translated by S. A. Nabavi Chashmi. Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Bayat, A. (2010). *Life as politics: How ordinary people change the Middle East*. Translated by F. Sadeghi. Amin Electronic Library.
https://engare.net/wp-content/uploads/2020/11/Life-as-Politics_Engare.net_.pdf (In Persian)
- Carspecken, P. F. (1996). *Critical Ethnography in Educational Reserch; A theoretical and practical guide*. New York: Routledge.
- Gharakhlou, M., Abdi Yangi Kand, N., & Zanganeh Shahraki, S. (2009). Analysis of urban sustainability in informal settlements (Case study: Sanandaj). *Human Geography Research*, 42(69), 1-16.
- Harvey, D. (2020). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revoulution*. Translated by K. Kalantari & P. Sedaghat. Tehran: Agah. (In Persian)
- Imani Jajarm, H. (2016). Critical study of urban development policies and plans in Iran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(1), 79-102. <https://DOI.ORG/10.22059/JISR.2016.58377>
- Isari, M., Shojaeizand, A., & Arvin, B. (2019). Interactions between urban policies and the informal life of the poor in urban space: A theoretical model. *Journal of Community Development (Rural and Urban Communities)*, 11(1), 1-24. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74360>
- Liyod, P. C. (2013). *A third world proletariat?* Translated by H. Nowzari. Tehran: Ashian. (In Persian)
- Mohammadpur, A. (2012). *Anti-Methodology: philosophical backgrounds and practical procedures in qualitative methodology*. Tehran: Logos Publishing. (In Persian)
- Madison, S. (2005). *Critical ethnography: Methods, ethics and performance*. Translated by F. Kamali. Tehran: Scientific and cultural Publications. (In Persian)
- Parvin, S., & Darvishifard, A. S. (2015). Subculture of social harm in urban neighborhoods (Case study of Hararndi Neighborhood). *Welfare and Social Development Planning*, 7(23), 51-89.
- Perlman, J. (2010). *Favelah: Four decaades of living on the in rio de janeiro*. Translated by K. Irandoost & G. Makrooni. Sanandaj: University of Kurdistan Press. (In Persian)
- Sadeghi, A. (2018). *The everyday life of the urban subalternism*. Tehran: Agah. (In Persian)
- Scott, J. C. (1985). *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale University Press.
- Scott, J. C. (1990). *Domination and the arts of resistance: Hidden transcripts*. Translated by: A. Khakbaz. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Thomas, J. (1993). *Doing critical ethnography: Beginning to think critically*. Sage Publications.